

یادداشت

فداکاری معلمان و جایگاه اجتماعی آنها

محمدرضا نیک‌نژاد - آموزگار



● در چند سال گذشته ما معلم و مدرسه با واژه‌هایی مانند تنبیه بدنی، کلاس خصوصی، دریافت پول زورکی از خانواده‌ها، نق‌زدن‌های همیشگی از کمی دستمز و شرایط کار ... گره خورده است؛ از این روست هنگامی که پای درددل بسیاری از فرهنگیان می‌نشیني، یکی از نخستین اولویت‌های‌شان، افت جایگاه اجتماعی آنان نسبت به گذشته و نادیده‌گرفتن تلاش‌های‌شان از سوی دانش‌آموزان و خانواده‌ها، دست‌اندرکاران سیاسی و حتی آموزشی است. آنها بر این باورند که فرادستان به نیازهای صنفی- آموزشی آنان و در نتیجه به جایگاهشان بی‌توجه‌اند. رسانه‌ها و از همه مهم‌تر صداوسیما، با کوچک‌ترین خطایی از سوی یک آموزگار، آن را در بیوق و کرنا می‌کنند و چشم بر همه تلاش‌ها و گرفتاری‌های فراوان و چندین دهه‌ای صنفی آنها می‌بندند، اما بازی با شان و جایگاه اجتماعی معماران پندار و کردار نسل‌های آینده درست نیست و بی‌گمان چوپ چنین برخوردی را جامعه خواهد خورد.

اما سرچشمه جایگاه اجتماعی فرهنگیان چیست؟ در اینجا دست‌کم می‌توان به دو مورد اشاره کرد.

۱- بر کسی پوشیده نیست که یکی از عامل‌های پایه‌ای در بالابردن جایگاه اجتماعی شهروندان، جایگاه اقتصادی آنهاست. شوربخانه از آغازین سال‌های آموزش‌وپرورش نوین در ایران، گرفتاری‌های اقتصادی، همزاد آزاردهنده فرهنگ و فرهنگی بوده است، گرچه این مهمان ناخوانده - با شاید هم خواننده! - کاه بنا به شرایطی پنهان مانده است. اما گمانی نیست که در دهه گذشته این گرفتاری بیش از هر زمان دیگری خود را نشان داده و آموزش را به گونه‌ای فراینده با افت روبه‌رو کرده است. یکی از پیامدهای بد این شرایط، افت جایگاه آموزش و آموزگار در چشم و دل لاف افراد جامعه است. آموزگار درگیر با شغل دوم و سوم، آموزگار آشفته از نظر پوشاک و ذهن، آموزگاری که نزد دانش‌آموزانش به ناچار لب به کلایه و درد‌دل‌های اقتصادی می‌کشاید، آموزگاری که سرویس مدرسه دانش‌آموزانش می‌شود، آموزگاری که پادوی سوپری یا آژانس املاکی محل است و آموزگاری که برای گذران زندگی وارد به درس‌دادن به دانش‌آموزش در خانه می‌شود و ... نمی‌تواند اقتدار معلمی خویش را پاس بدارد و آموزاننده نیکویی باشد.

۲- از دیگر سوییکی از سنجه‌های برخورداری یک گروه از جایگاه بلند اجتماعی، تلاش‌ها و هزینه‌های فرهنگی و اجتماعی‌ای است که برای جامعه و شهروندانش می‌پردازد. فرهنگیان از همان آغاز آموزش نوین در ایران، همواره با کمبودهای فراینده امکانات آموزشی و پرورشی روبه‌رو بوده‌اند، اما با همه کاستی‌ها به آموزش نسل‌های گوناگون کشور پرداخته‌اند و در حد توان - و حتی بیش از آن- ننگداشته‌اند.

یادگیری در غبار کاستی‌ها از چشم‌ها بیفتد. این کاستی‌ها، از کمبود امکانات آموزشی و پرورشی آغاز و تا ناکارآمدی، نامناسبی و حتی نالایمی محل کار ادامه می‌یابد. برای کسانی که دستی- حتی از دور - بر آتش آموزگاری دارند روشن است که نامناسب‌بودن شرایط کار در کلاس، رنج‌آورترین و آزاردهنده‌ترین زمینه برای آموزگار است. اما آموزگاران این رنج‌ها را به جان می‌خرند و با چشم‌پوشی بر بی‌مهری‌ها، آموزش‌وپرورش نسل‌ها را پی می‌گیرند. البته این چشم‌پوشی چندان بی‌هزینه هم نبوده و نخواهد بود. «حسن امیدزاده»، آموزگار کلیاتی که با نجات‌دادن جان دانش‌آموزانش از کلاس درس گرگرفته، به‌شدت سوخت و پس از چند سال درگیری با پیامدهای سوختن، در سال ۹۱ درگذشت. «کاظم صفزراده»، معلم مدرسه عشایری در لرستان که برای رساندن دانش‌آموزان بیمارارش به درمانگاه، گرفتار شعله ماهر شده است. دانش‌آموزانش جان و سیاحتگراری است که در یکی، دو سال گذشته وزیر آموزش‌وپرورش با برپایی همایش‌هایی، از معلمان فداکار قدردانی می‌کند، اما بی‌گمان باید بیش از اینها تلاش کرد. شاید تلاش برای آگاهی از این فداکاری‌ها و ساماندهی زندگی مادی فرهنگیان، نخستین گام برای بالابردن جایگاه اجتماعی آنان باشد و دست‌کم بتواند از ادامه افت این جایگاه و در نتیجه افت آموزش بکاهد.

«تصویر ابتدای متن «حمیدرضا گنگوزهی ریگی»، آموزگار بلوچ است که برای نجات‌دادن جان دانش‌آموزان، گرفتار آوار شد و جان سپرد.

جامعه

به علت ناتوانی در پرداخت هزینه‌ها، جسد بیمار در بیمارستان گودرز یزد به خانواده تحویل داده نشده

جنازه ،گروی ۴میلیون تومان

دکتر منتظری، رئیس بیمارستان گودرز یزد، گروگشی نمی‌کنیم و چنین ادعایی صحت ندارد

شهرزاد همتی



کمکی بکنند، ایشان هم نامه‌ای به امام‌جمعه یزد نوشتند و آنجا نامه‌ای نوشته شد به بیمارستان گودرز که جنازه متوفی ترخیص شود و ما هم همه نامه‌ها را به همراه نامه بنیاد شهید به منشی بیمارستان تحویل دادیم و آنها نامه را یرت کردند و گفتند جای نامه‌نگاری پول بدهید. گفتند برای برادر شهید که کاری نمی‌توانیم بکنیم و فقط فرزند و پدر و مادر شهید تحت پوشش ما هستند و نامه‌های امامان جمعه هم برای ما کارساز نیست.»

گروگشی نداریم

اما گفته‌های پرسنل بیمارستان با حرف‌های خانواده مرحوم عظیمی متفاوت است. دکتر منتظری، رئیس بیمارستان گودرز یزد، در گفت‌وگو با «شرق»، با تکذیب ادعای خانواده مرحوم علی عظیمی به «شرق» می‌گوید: «ما گروگشی نمی‌کنیم و چنین ادعایی صحت ندارد. من کاملاً از این ماجرا بی‌اطلاعم و اگر چنین اتفاقی در این بیمارستان می‌افتاد، قطعاً نامه‌اش در دفتر من امضا می‌شد. ما گروگشی نمی‌کنیم». و در پاسخ به این سؤال که به چه دلیلی جسد به خانواده‌اش تحویل داده نشده است، می‌گوید: «هر شش روز یک‌بار مسئول بیمه برای تأیید کار‌ها به دفتر می‌آید و هر شش روز یک‌بار هزینه‌ها به اطلاع خانواده می‌رسید، به چه دلیلی خانواده برای پرداخت هزینه‌ها در این مدت اقدامی نکردند.»

وی همچنین در پاسخ به این مسئله که این خانواده پول کافی برای تسویه‌حساب نداشتند، افزود: «اگر پول نداشتند هم باید زودتر فکرها‎ن را می‌کردند. این بیمارستان درست است که خیریه است و فردی در سال ۱۳۲۶، ۲۲ تخت وقف کرده، اما اکنون این تخت‌ها به بالای ۲۰۰ تخت رسیده و نیروها و کادر پزشکی آن هم هزینه دارند و باید حقوق آنها داده شود و بیمارستان باید بالاخره هزینه‌های خودش را تأمین کند یا نه؟» او همچنین در پاسخ به این سؤال که با وجود همه این مشکل‌ها آیا نگاه‌داشتن جنازه بیمار در بیمارستان به دلیل تسویه‌حساب‌نکردن کار صحیحی است، گفت: «این کار کاملاً غلط است و باید پیگیری شود و قطعاً صحت ندارد و ممکن است خانواده خودشان جویای تحویل جسد پدرشان نشده باشند. در عمر ۷۰ساله بیمارستان گودرز چنین اتفاقی نیفتاده و قطعاً صحت ندارد و در استان یزد وقوع چنین اتفاقاتی نادر است». رئیس بیمارستان گودرز درباره دلیل ماندن سه‌روزه جسد در بیمارستان نیز گفت: «به احتمال زیاد آنها خودشان پیگیر جسد نبوده‌اند. اولی از این‌ها قدر سخت نبود». این خانواده اهل استان کرمان هستند، که رفتم، آنها یک صورت حساب چهارمیلیون و چهارصد‌هزار تومانی به من دادند و من گفتم این‌قدر پول ندارم! پدرم که بیمه روستایی داشت و خودم هم کارگرم و کل دارایی‌ام یک میلیون تومان است که آن را هم تحویل می‌دهم. آنها گفتند تا پول را ندهی جنازه پدرت را مرخص نمی‌کنیم، ما بعد از این ماجرا سراغ امام‌جمعه شهر خودمان آمدم تا

خبر

شناسایی نقاط مخاطره‌آمیز پایتخت

● ایسنا: سعید شریف‌زاده، مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران با بیان اینکه از چندی‌پیش نقاط مخاطره‌آمیز شهر تهران شناسایی شده است، اظهار کرد: نقاطی که در آنها تراکم جمعیت بالا بوده یا مستعد وقوع حادثه هستند، شناسایی شده و علاوه بر اینکه همکاران من در آتش‌نشانی توصیه‌های ایمنی لازم را به مسئولان و متولیان این اماکن داده‌اند، مانورهای مختلفی نیز در برخی از این اماکن برگزار شده است. او با بیان اینکه هدف از برگزاری این مانورها، افزایش آمادگی امدادگران در صورت بروز حوادث احتمالی است، اظهار کرد: آموزش‌ها و تمرینات متعددی برای آتش‌نشانان پیش‌بینی شده و خوشبختانه پرسنل ما از آمادگی و توان بالایی برخوردار هستند.

تمام شیرابه‌های زباله در کهریزک جمع‌آوری شد

● مهر: مرتضی طلایی به اهمیت توسعه پایدار شهری اشاره کرد و گفت: برای تحقق این هدف، شوراییاران باید نسبت به افزایش مسئولیت‌پذیری شهروندان اهتمام کنند، به‌عنوان مثال شهرداری تهران پس از ۵۰ سال توانست معضل حوضچه‌های شیرابه زباله در کهریزک را حل کند و در روزهای آتی این خبر رسماً اعلام خواهد شد که دیگر هیچ حوضچه شیرابه‌ای در کهریزک وجود ندارد. وی از تقاهم با سازمان مدیریت پسماند درباره واگذاری مدیریت جمع‌آوری زباله محلات به مردم هر محله خبر داد و تشریح کرد: درحال‌حاضر روزانه سه نوبت زباله در تهران جمع‌آوری می‌شود که آن هم به صورت تفکیک‌نشده رخ می‌دهد. بنا بر این تقاهم سازمان مدیریت پسماند قراردادی با شورای محل منعقد می‌کند که به موجب آن هزینه جمع‌آوری زباله محله در اختیار شورای محل قرار می‌گیرد که اگر این شورا بتواند با جلب مشارکت شهروندان جمع‌آوری زباله را به یک نوبت تفکیک‌شده‌گاشد دهد، مازاد اعتبار صرف توسعه محله با نظر شوراییاری خواهد شد.

احتمال سرایت طاعون در حیات‌وحش در سرخه‌حصار

● ایلنا: محمد کریمی، رئیس اداره حیات‌وحش محیط‌زیست استان تهران نسبت به شیوع بیماری طاعون نشخوارکنندگان کوچک در میان حیات‌وحش زیستگاه‌های شمالی استان تهران ابراز نگرانی کرد و گفت: دراین‌صورت تعداد تلفات بسیار بیشتر از تلفات کنونی خواهد بود. وی درباره تلف‌شدن ۱۰ رأس قوچ و میش در استان تهران گفت: تلفات جدیدی در منطقه سرخه‌حصار دیده شده که مشخص نیست عامل آن چه بوده است و وجود بیماری طاعون نشخوارکنندگان کوچک هنوز تأیید نشده است. سازمان دامپزشکی از لاشه یک قوچ نمونه‌برداری کرد؛ اما هنوز نتیجه‌ای به ما اعلام نشده است. وی درباره آخرین تعداد تلفات ناشی از بیماری طاعون نشخوارکنندگان کوچک (ppr) افزود: ما در منطقه خجیر در دو مرحله به دلیل این بیماری تلفات دامیم که در مرحله اول ۵۶ رأس گل و بز و چهار رأس قوچ و میش تلف شدند. در اسفندماه نیز با تلف‌شدن ۲۸ رأس گل و بز مواجه شدیم. وی در پاسخ به این سؤال که چه میزان احتمال سرایت این بیماری از خجیر به سرخه‌حصار وجود دارد، توضیح داد: احتمال انتقال بیماری از خجیر به سرخه‌حصار با توجه به عوامل انسانی در منطقه، مانند جاده‌ها، سکونتگاه‌ها و طرح‌های عمرانی که موجب قطع‌شدن ارتباط بین حیات‌وحش این دو منطقه شده، وجود ندارد؛ اما بیشترین ظن ما این است که اگر بیماری ppr در سرخه‌حصار تأیید شود، احتمالاً از طریق دام‌های اهلی حاشیه این منطقه سرایت کرده است. وی ادامه داد: نگرانی دیگر ما این است که اگر اکنون دامی آلوده باشد و بخواهد به سمت زیستگاه‌های شمال تهران که مناطق ییلاقی هستند، حرکت کند، ممکن است سرایت این بیماری به حیات‌وحش مناطق لار، ورچین، البرز مرکزی، فیروزکوه و دماوند را داشته باشیم که در این صورت تعداد تلفات حادث از منطقه خورجین و سرخه‌حصار خواهد بود؛ زیرا حیات‌وحش ما در این مناطق غنی‌تر است؛ برای نمونه در لار بیش از هزار رأس گل و بز وجود دارد.

۳ استان محروم به لحاظ شاخص‌های نظام آموزش

● ایسنا: علی‌اصغر فانی، وزیر آموزش‌وپرورش گفت: در شاخص‌های آموزشی کشور، سیستان‌وبلوچستان، هرمزگان و آذربایجان‌غربی محروم‌ترین استان‌ها بوده‌اند. وزیر آموزش‌وپرورش گفت: توسعه شاخص‌های آموزشی در کشور یکی از مهم‌ترین برنامه‌های وزارت آموزش‌وپرورش بود که در این راستا برخی استان‌های کشور بسیار خوب عمل کرده‌اند و برخی نیز بسیار ضعیف بوده‌اند؛ اما درباره این شاخص‌ها بین استان‌های کشور سه استان سیستان‌وبلوچستان، هرمزگان و آذربایجان‌غربی محروم‌ترین استان‌ها بوده‌اند. فانی در پایان گفت: باوجود تمامی مشکلات، شاخص‌های آموزشی در دوسال و هشت‌ماه گذشته رشد بسیار خوبی داشته است که این نیز حاصل تعامل و همکاری تمامی نهادها و دستگاه‌های دولتی و مردمی با آموزش‌وپرورش بوده است.

می‌گیریم، سپس ترخیص می‌شوند.»

دکتر منتظری با بیان اینکه یک بیمارستان ۳۰هزار متری هزینه دارد تأکید می‌کند: «ما باید هزینه‌های بیمارستان را فراهم کنیم. پزشکان ما دولتی نیستند که بگویند ماهانه دولت حقوق ما را می‌دهد و ما در این بیمارستان خدمت ارائه می‌دهیم. درحال‌حاضر ویزیت پزشک متخصص ۳۵هزار تومان است، اما بخش دولتی دو هزار تومان می‌گیرد چون هزینه‌های ما خصوصی است، باید هزینه‌هایشان را خودشان پرداخت کنند. درنهایت دولت برای تخت «آی‌سی‌یو» درمجموع روزی ۵۰۰هزار تومان می‌دهد، درحالی‌که وزارت بهداشت اعلام کرد هزینه روزانه تخت «آی‌سی‌یو» یک میلیون و صد هزار تومان است؛ این هزینه را باید بیمار خودش بدهد و در کنار این باید هزینه پزشکان، پرستاران و ... را هم در نظر گرفت». رئیس بیمارستان گودرز تصریح کرد: «چون بیمارستان خیریه است، دلیل نمی‌شود بیماران هزینه‌های خود را پرداخت نکنند، نمی‌شود که اصلاً کسی پول شب‌های بستری خودش را ندهد، ما بخش عمده‌ای را به او تخفیف می‌دهیم، ولی باید بپذیرد که بخشی از هزینه‌هایش را متقبل شود. بعد هم شما گفتید او از نهادهای مختلف نامه آورده بود. آیا نباید روی این نامه‌ها مبلغی هم می‌گذاشت و به بیمارستان تحویل می‌داد؟ آیا بهتر نیست ارگانی که نامه می‌دهد روی نامه‌اش یک میلیون تومان بگذارد و به بیمار بدهد و از ما هم بخواهد بخشی از هزینه‌ها را نادیده بگیریم؟ همه به ما سفارش می‌کنند و تلفن می‌زنند و نامه می‌دهند، اما کسی نیست که برای از دوش ما بردارد، بیش از حد توانمان نمی‌توانیم کاری انجام دهیم.»

منتظری با بیان اینکه بیمارستان گودرز از تیرماه سال ۹۴ تاکنون نتوانسته است حق و حقوق پزشکان خود را پرداخت کند، افزود: «پرداخت‌های پایه بیمه‌های دولتی هنوز واریز نشده؛ برای نمونه رئیس کل بیمه تأمین اجتماعی در بهمن‌ماه اعلام کرد تا آخر اردیبه‌ماه بیمارستان‌ها تسویه کرده، این در حالی است که هنوز از آخر مرداد و شهریور به ما هیچ مبلغی داده نشده و این مسائل باعث می‌شود ما در تسویه‌حساب بیماران کمی سخت‌گیر باشیم». همچنین مدیر روابط‌عمومی بیمارستان گودرز در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید مرحوم علی عظیمی در تاریخ ۱۶ اسفند در «آی‌سی‌یو» بیمارستان گودرز بستری می‌شود و ۱۷ فروردین می‌میرد و به خانواده اعلام می‌شود ولی تحویل جسد به بیمارستان مراجعه کنند و خانواده بعد از دیدن صورت حساب بدون اینکه بگویند از پرداخت هزینه‌ها عاجز هستند، به بهانه تهیه پول از بیمارستان خارج شده‌اند و هنوز به بیمارستان مراجعه نکرده‌اند.

احمد میرزایی، رئیس شورای اسلامی شهرستان اتار نیز صحت گفته‌های خانواده عظیمی را تأیید می‌کند و می‌گوید نامه‌های بنیاد شهید و امامان جمعه یزد و اتار که ازسوی بیمارستان پذیرفته نشده،نزد شورای شهر است. ماجرا پیچیده‌تر از این حرف‌هاست، بنا به عادت همیشگی این سال‌ها فردا نامه تکذیبیه از وزارت بهداشت و بیمارستان خواهد رسید، مانند ماجرای صدرا و بخیه‌هایش که در آخر مادر صدرا گناهکار قصه خوانده شد، این‌بار هم خانواده مرحوم عظیمی مقصر بزرگ مانند جسد پدر در بیمارستان جلوه داده خواهند شد، مانند همان روز‌هایی که بیمار‌ها در پایان رها نمی‌شدند و اتفول‌آنزای مرغی در زمستان ۹۴ وضعیت کرمان را قرمز نکرده بود. این داستان‌ها همه‌شان ساخته و پرداخته ذهن خلاق و شایعه‌پراکن خبرنگاران است و قرار نیست کسی یک‌بار ببذیرد، اشتباهاتی اگر وجود دارد باید با آنها روبه‌رو شد، نه اینکه پنهان‌شان کند و با اولین هوایما به محل حادثه برسد و تکذیبیه‌ها را برای خبرگزاری‌ها مخابره کند. ...

۹۴ تا اواسط فروردین ۹۵ – به نسبت مدت مشابه سال گذشته کمتر بوده است. البته نباید فراموش کرد که بخشی از بارش امسال به صورت برف بوده و در مواقعی بارش باران منجر به طغیان رودخانه‌های منتهی به دریاچه مانند سیمینه‌رود شده که اینها در بهبود وضعیت دریاچه اثرگذار بوده است، اما در کنار اینها باید به اقدامات صورت‌گرفته برای بهبود وضعیت دریاچه نیز نگاه کرد، اقداماتی مانند لایروبی و ساماندهی همه رودخانه‌های منتهی به دریاچه به‌ویژه در بخش جنوبی که باعث شده است آب‌های جاری در آن به شکل بهتری به بستر دریاچه برسد. اقدام دیگر نیز بحث رهاسازی آب از پشت سدها بوده است که این کار از پاییز سال ۹۴ شروع شده و تا انتهای بهمن و اسفند هم ادامه داشته است. رهاسازی آب از پشت سدها برای سال آبی گذشته ۱۳۶میلیون متر مکعب در نظر گرفته شده بود که با توجه به اقداماتی که در زمینه تغییر الگوی کشت و مدرن‌سازی شیوه‌های آبیاری در حوضه آبریز دریاچه انجام شده است، نیاز آبی منطقه را کاهش داده، به‌گونه‌ای که



شرق: مقایسه میزان بارش از اول مهر تا ۱۴ فروردین در دو سال آبی ۹۳-۹۴ و ۹۴-۹۵ در حوضه آبریز دریاچه ارومیه از کاهش ۱۸ میلی‌متری بارش حکایت دارد. اما درعین‌حال سطح تراز آب موجود در بستر دریاچه به نسبت مشابه سال قبل در ۱۵ فروردین امسال، ۹ سانتی‌متر بالاتر اندازه‌گیری شده است. تراز سطح آب دریاچه ارومیه در یازدهم فروردین سال جاری به ۱۲۷۰۰۷۸ متر از سطح دریا رسید. تراز سطح آب دریاچه ارومیه نسبت به روز مشابه در دو سال قبل (یازدهم فروردین ۹۳ و ۹۴) به ترتیب ۱۱ و ۹ سانتی‌متر افزایش نشان می‌دهد. همچنین این تراز از ۷۴ سانتی‌متر نسبت به پایین‌ترین سطح تراز ثبت‌شده دریاچه که در روز دوم آبان سال ۱۳۹۴ ثبت شد نیز بیشتر شده است. در کنار انتشار همین خبر درباره دریاچه ارومیه عکس‌هایی از وضعیت سطح آبگیر این دریاچه نیز منتشر شد که حکایت از تفاوت چشمگیر آن نسبت به وضعیت مساحت دریاچه در آبان‌ماه سال قبل دارد. در همین زمینه مدیرکل محیط زیست آذربایجان غربی نیز از افزایش چهار برابری مساحت دریاچه ارومیه در شش ماه خبر داده است.

پرویز آراسته اعلام کرد: باوجود کاهش ۹ درصدی در بارندگی، سطح آب دریاچه نسبت به سال گذشته ۹ سانتی‌متر افزایش داشته و مساحت دریاچه نسبت به شهریورماه گذشته چهار برابر شده است. این مقام مسئول، مساحت آب دریاچه ارومیه به دوهزارو ۲۰۰ کیلومتر مربع رسیده است که این میزان در شهریورماه گذشته ۵۳۰ کیلومتر مربع بود؛ یعنی مساحت آب دریاچه نسبت به آن زمان به حدود چهار برابر رسیده است. پیش‌بینی می‌شود روند ورود آب به دریاچه ارومیه در اردیبهشت و خرداد، مساحت آبگیر دریاچه را به بیش از سه‌هزار کیلومتر مربع برساند.

در همین حال بسیاری از دوست‌داران طبیعت و محیط زیست ایران می‌پرسند چه مقدار از این تغییر وضعیت دریاچه ارومیه حاصل اقدام انجام‌شده برای احیای این دریاچه است و چه مقدار به وضعیت طبیعت و بارش برف و باران مرتبط است.